

فهرست مطالب



دیاچه.....	۱۵
مقدمه مؤلف.....	۱۷
فصل اول: کلیات.....	۱۹
مبحث اول: تعریف مال.....	۱۹
مبحث دوم: انواع مال.....	۲۱
۱- تقسیم مال بر حسب قابلیت جایجائی (ماهیت اشیاء).....	۲۱
۱-۱- مال منقول.....	۲۱
۲-۱- مال غیرمنقول.....	۲۲
۲- تقسیم مال بر حسب پیدا شدن اشباه و نظائر.....	۲۲
۱-۲- مال مثلی.....	۲۲
۲-۲- مال قیمی.....	۲۳
۳- تقسیم مال از لحاظ ملموس بودن یا ملموس نبودن.....	۲۳
۱-۳- مال مادی.....	۲۴
۲-۳- مال معنوی (غیر مادی).....	۲۴
۴- تقسیم مال بر حسب مالک.....	۲۶
۱-۴- مال عمومی.....	۲۶
۲-۴- مال خصوصی.....	۲۷
۳-۴- مال مجهول المالک.....	۲۷
۵- تقسیم اموال بر حسب بقای عین مال.....	۲۷
۱-۵- اموال مصرفی.....	۲۷
۲-۵- اموال قابل بقاء.....	۲۷
۶- تقسیم اموال بر حسب مشترک بودن یا نبودن.....	۲۸
۱-۶- مال مشاع.....	۲۸
۲-۶- مال مفروز.....	۲۸
۷- انواع مال از لحاظ قابلیت تقسیم.....	۲۹
۱-۷- مال قابل تقسیم.....	۲۹
۲-۷- مال غیر قابل تقسیم.....	۲۹
۸- تقسیم مال به اعتبار ارزش برای افراد و جامعه.....	۳۰

۳۱	۸-۱- مال مطلق
۳۱	۸-۲- مال نسبی
۳۱	مبحث سوم: انواع حقوق
۳۱	۱- مفهوم حق
۳۲	۱-۱- حق مالی
۳۳	۱-۲- حق غیر مالی
۳۳	۱-۳- حق مالی ناشی از حق غیر مالی
۳۳	۲- انواع حقوق مالی
۳۳	۱-۲- حق عینی
۳۴	۲-۲- حق دینی
۳۵	فصل دوم: احکام مربوط به اموال منقول و غیر منقول
۳۵	مبحث اول: تعریف مال غیر منقول (غیر منقول ذاتی و غیر منقول تبعی)
۳۶	۱- اراضی، ابنیه، آسیا و لوازم منصوب در بنا
۳۷	۲- لوازم تزئینی بنا
۳۷	۳- ثمره و حاصل
۳۸	۴- اشجار
۳۸	۵- غیر منقول حکمی
۳۸	۵-۱- اشیاء اختصاص یافته به زراعت
۴۱	۵-۲- حقوق مربوط به اموال غیر منقول
۴۳	مبحث دوم: تعریف اموال منقول
۴۴	۱- منقول حکمی
۴۵	۲- انواع اشیاء منقول
۴۵	۳- مصالح بنائی
۴۶	مبحث سوم: اموالی که مالک خاص ندارد
۴۶	۱- استفاده از اموالی که مالک خاص ندارد
۴۷	۲- طرق و شوارع عامه
۴۹	۳- اموال مورد استفاده عموم
۵۱	۴- اموال دولتی و شهرداری
۵۳	۵- مباحات
۵۴	۶- اموال مجهول‌المالک و استفاده از آنها

۵۷	فصل سوم: حقوق مختلفه نسبت به اموال.....
۵۷	مبحث اول: انواع حقوق نسبت به اموال.....
۵۸	مبحث دوم: مالکیت و اوصاف آن.....
۵۸	۱- قاعده تسلیط.....
۵۹	۲- احترام به تسلط مالک.....
۶۰	۳- ثمرات و متعلقات مال.....
۶۱	۴- نماء و محصول ارضی.....
۶۲	۵- نتایج حیوانات.....
۶۳	۶- اماره تصرف.....
۶۳	۱-۶- شرایط اماره تصرف.....
۶۶	۱-۱-۶- تصرف و وقف.....
۶۷	۱-۲-۶- تصرف زوجین در اموال منزل.....
۶۸	۲-۶- موارد معتبر نبودن تصرف.....
۷۰	۳-۶- اقرار متصرف فعلی.....
۷۱	۷- مالکیت فضا و قرار.....
۷۲	۸- بنا و درخت روی زمین و بنا و حفر زیرزمین.....
۷۲	مبحث دوم: حق انتفاع.....
۷۲	۱- تعریف حق انتفاع.....
۷۴	۲- انواع حق انتفاع.....
۷۴	۱-۲- عمری.....
۷۴	۲-۲- رقبی.....
۷۵	۲-۳- سکنی.....
۷۶	۳- حبس مطلق.....
۷۶	۴- شرایط برقراری حق انتفاع.....
۷۷	۱-۴- وجود اشخاص منتفع.....
۷۸	۲-۴- بقاء عین مال.....
۷۹	۵- شرطیت قبض در حق انتفاع.....
۸۰	۶- امین بودن منتفع.....
۸۰	۱-۶- مخارج نگهداری از مال مورد انتفاع.....
۸۱	۲-۶- تلف مال مورد انتفاع.....

- ۸۱-۷- زوال حق انتفاع.....
- ۸۲-۸- مسئولیت منتفع.....
- ۸۳-۹- انتقال عین در حق انتفاع.....
- ۸۴-۱۰- سایر کیفیات انتفاع.....
- ۸۵- مبحث سوم: وقف.....
- ۸۵-۱- تعریف وقف.....
- ۸۶-۲- وقوع وقف.....
- ۸۸-۳- شرایط واقف.....
- ۸۹-۴- شرایط مال موقوفه.....
- ۹۰-۵- قبض در عقد وقف.....
- ۹۱-۱-۵- فوریت یا عدم فوریت قبض.....
- ۹۲-۲-۵- لزوم وقف.....
- ۹۳-۳-۵- قبض موقوف علیهم.....
- ۹۴-۴-۵- قبض ولی یا وصی.....
- ۹۵-۶- وقف مالی که منافع آن متعلق به دیگری است.....
- ۹۶-۷- وقف به علت اضرار دیان.....
- ۹۷-۸- وقف بر مقاصد نامشروع.....
- ۹۸-۹- وقف مالی که قبض و اقباض آن ممکن نیست.....
- ۹۹-۱۰- توابع و متعلقات عین موقوفه.....
- ۱۰۰-۱۱- وقف بر معدوم.....
- ۱۰۱-۱۲- وقف بر معدوم و موجود با هم.....
- ۱۰۱-۱۳- وقف بر مجهول.....
- ۱۰۲-۱۴- وقف بر نفس.....
- ۱۰۴-۱-۱۴- وقف بر اولاد، خدمه و واردین.....
- ۱۰۴-۲-۱۴- صدق وقف بر واقف.....
- ۱۰۶-۱۵- تولیت.....
- ۱۰۶-۱-۱۵- معنا و شرایط تولیت.....
- ۱۰۸-۲-۱۵- رد یا قبول تولیت.....
- ۱۰۹-۳-۱۵- استقلال و اجتماع در تولیت.....
- ۱۱۰-۴-۱۵- نظارت بر متولی.....

۱۱۱	۱۵-۵- عزل متولی.....
۱۱۲	۱۵-۶- انعزال متولی.....
۱۱۳	۱۵-۷- تولیت اوقاف عامه.....
۱۱۳	۱۵-۸- اداره موقوفه با ترتیب خاص واقف.....
۱۱۵	۱۵-۹- تفویض تولیت.....
۱۱۶	۱۵-۱۰- حق التولیه.....
۱۱۷	۱۶- منافع موقوفه.....
۱۱۷	۱۶-۱- مخارج تعمیر و اصلاح موقوفه.....
۱۱۸	۱۶-۲- تقسیم منافع.....
۱۱۸	۱۷- بیع مال وقف.....
۱۱۹	۱۷-۱- شرایط بیع مال وقف.....
۱۲۰	۱۷-۲- فروش بعض موقوفه.....
۱۲۰	۱۷-۳- تبدیل موقوفه به اقرب به غرض واقف.....
۱۲۱	۱۸- صرف منافع موقوفات در بریات عمومی.....
۱۲۲	۱۹- قانون ابطال اسناد فروش رقبات، آب و اراضی موقوفه مصوب ۱۳۷۱/۱۱/۲۵.....
۱۲۵	۲۰- قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲.....
۱۳۲	مبحث چهارم: انتفاع از مباحات.....
۱۳۲	مبحث پنجم: حق ارتفاق.....
۱۳۲	۱- تعریف ارتفاق.....
۱۳۴	۲- قرارداد راجع به حق ارتفاق.....
۱۳۴	۳- مجرای فاضلاب یا آب باران بودن زمین یا خانه.....
۱۳۵	۴- چشمه واقعه در زمین.....
۱۳۵	۵- حق ارتفاق با قدمت.....
۱۳۶	۶- اذن در ارتفاق.....
۱۳۷	۷- ناودان در ملک.....
۱۳۸	۸- مجرای آب و احکام آن.....
۱۳۹	۹- حق ارتفاق نسبت به آب در ملک دیگری.....
۱۴۰	۱۰- انتقال ملک و اثر آن بر حق ارتفاق.....
۱۴۱	۱۱- تقسیم ملک و اثر آن بر حق ارتفاق.....
۱۴۲	۱۲- وسایل بهره‌برداری از حق ارتفاق.....

- ۱۴۳-۱۳- مخارج تمتع از حق ارتفاق..... ۱۴۳
- ۱۴۳-۱۴- تصرفات در ملک مورد حق ارتفاق..... ۱۴۳
- ۱۴۴-۱-۱۴- تصرفات مالک ملک..... ۱۴۴
- ۱۴۴-۲-۱۴- تصرفات صاحب حق..... ۱۴۴
- ۱۴۵-۱۵- اذن محض..... ۱۴۵
- فصل چهارم: احکام و آثار املاک نسبت به املاک مجاور ۱۴۷**
- مبحث اول: دیوار مشترک..... ۱۴۷
- ۱- مشترک محسوب شدن دیوار مابین دو ملک..... ۱۴۷
- ۲- قرائن تصرف و اختصاص در دیوار..... ۱۴۸
- ۱-۲- شرایط اشتراک دیوار در ترسیف و اتصال..... ۱۴۹
- ۲-۲- قرائن اختصاصی..... ۱۴۹
- ۳- مخارج و تعمیر دیوار مشترک..... ۱۵۰
- ۱-۳- مخارج دیوار مشترک..... ۱۵۰
- ۲-۳- بنا و تعمیر دیوار مشترک..... ۱۵۰
- ۱-۲-۳- خراب شدن دیوار مشترک..... ۱۵۱
- ۲-۲-۳- بنای دیوار توسط یک شریک..... ۱۵۱
- ۳-۲-۳- خراب کردن دیوار..... ۱۵۲
- ۴- تصرفات شرکاء در دیوار..... ۱۵۳
- ۱-۴- برداشتن سرتیر از روی دیوار..... ۱۵۴
- ۲-۴- اذن در قرار دادن سرتیر..... ۱۵۵
- ۳-۴- قرار دادن مجدد سرتیر روی دیوار..... ۱۵۵
- ۵- جلوگیری از اضرار به غیر..... ۱۵۶
- ۶- اجبار به کشیدن دیوار..... ۱۵۷
- ۷- معلوم نبودن سابقه وضع سرتیر..... ۱۵۷
- ۸- احکام طبقات..... ۱۵۸
- ۱-۸- مالکیت مختلف طبقات تحتانی و فوقانی..... ۱۵۸
- ۲-۸- تصرف در قسمت‌های مختلف طبقات..... ۱۵۹
- ۳-۸- پله فوقانی..... ۱۵۹
- ماده ۱۲۷:..... ۱۵۹
- ۴-۸- تعمیر دیوارها در طبقات..... ۱۶۰

۱۶۰	۸-۵- تخریب سقف ما بین طبقات.....
۱۶۱	۹- قانون تملک آپارتمان‌ها.....
۱۶۶	مبحث دوم: اضرار به غیر در املاک مجاور.....
۱۶۶	۱- خروجی به فضای خانه همسایه.....
۱۶۷	۲- ورود شاخه درخت به خانه همسایه.....
۱۶۸	۳- تصرف در ملک خود و اضرار به غیر.....
۱۷۱	۴- باز کردن در، روزنه، یا شبکه به خانه همسایه.....
۱۷۳	۵- منع شرکاء از بردن آب.....
۱۷۳	۶- درخت و حفیره مابین املاک.....
۱۷۴	مبحث سوم: حریم املاک.....
۱۷۴	۱- مفهوم حریم.....
۱۷۶	۲- حریم چاه.....
۱۷۷	۳- حریم چشمه و قنات.....
۱۷۹	۴- احکام حریم.....
۱۸۰	۵- قانون راجع به قنوت مصوب ۱۳۰۹/۶/۶.....
۱۸۵	فصل پنجم: اسباب تملک
۱۸۵	مبحث اول: انواع اسباب تملک.....
۱۸۶	مبحث دوم: احیاء اراضی موات اراضی موات و حیازت اشیاء مباحه.....
۱۸۶	۱- احیاء اراضی موات و مباحه.....
۱۸۶	۱-۱- مفهوم احیاء.....
۱۸۸	۱-۲- شروع در احیاء.....
۱۸۹	۱-۳- قصد تملک.....
۱۹۰	۱-۴- احیاء اطراف زمین و اثر آن.....
۱۹۰	۱-۵- رعایت سایر قوانین مربوط به احیاء.....
۱۹۱	مبحث سوم: حیازت مباحات.....
۱۹۱	۱- مفهوم حیازت.....
۱۹۲	۲- مالکیت مال مباح.....
۱۹۲	۳- احکام مربوط به حیازت آب‌های مباح.....
۱۹۲	۳-۱- حیازت نهر با اتصال به رودخانه.....
۱۹۳	۳-۲- حیازت میاه مباحه.....

- ۱۹۴..... ۳-۳- شرکت در حفر چاه.....
- ۱۹۵..... ۳-۴- شرکاء در مجرای مشترک.....
- ۱۹۶..... ۳-۴-۱- نصیب مفروز هر یک از شرکاء.....
- ۱۹۶..... ۳-۴-۲- تشخیص مقدار نصیب شرکاء.....
- ۱۹۷..... ۳-۵- آب بردن از ملک غیر.....
- ۱۹۷..... ۳-۶- مشروب کردن اراضی از نه‌رهای مباح.....
- ۱۹۸..... ۳-۶-۱- کافی نبودن آب و حق تقدم.....
- ۱۹۹..... ۳-۶-۲- محرز نبودن حق تقدم و قاعده قرعه.....
- ۲۰۰..... ۳-۶-۳- مقدم بودن در احیاء.....
- ۲۰۱..... ۳-۶-۴- احیاء کردن زمین جدید در اطراف رودخانه.....
- ۲۰۱..... ۳-۷- حفر قنات یا چاه و تحجر آن.....
- ۲۰۲..... مبحث چهارم: معادن.....
- ۲۰۲..... ۱- مالکیت معدن در قانون مدنی.....
- ۲۰۲..... ۲- مالکیت معدن در قوانین جدید.....
- ۲۰۲..... فصل اول: تعاریف و کلیات.....
- ۲۰۶..... فصل دوم: اکتشافات.....
- ۲۰۷..... فصل سوم: بهره‌برداری.....
- ۲۱۰..... فصل چهارم: مقررات عمومی.....
- ۲۱۵..... ۱- اشیاء پیدا شده.....
- ۲۱۵..... ۱-۱- شرایط تملک مال پیدا شده.....
- ۲۱۷..... ۱-۲- تعریف مال پیدا شده.....
- ۲۱۹..... ۱-۲-۱- ساقط شدن تکلیف تعریف مال پیدا شده.....
- ۲۱۹..... ۱-۲-۲- مفهوم تعریف.....
- ۲۲۱..... ۱-۳- پیدا شدن مال در بیابان یا خرابه.....
- ۲۲۲..... ۱-۴- پیدا شدن مال در ملک غیر.....
- ۲۲۲..... ۱-۵- عدم قابلیت بقای مال پیدا شده.....
- ۲۲۳..... ۱-۶- تلف مال پیدا شده.....
- ۲۲۴..... ۱-۷- منافع مال پیدا شده.....
- ۲۲۴..... ۱-۸- قانون راجع به حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹/۸/۱۲.....
- ۲۳۱..... ۲- حیوانات ضاله.....

۲۳۱	۱-۲- مفهوم حیوان ضاله
۲۳۲	۲-۲- مسئولیت یابنده حیوان ضاله
۲۳۳	۳-۲- وجود حیوان ضاله در مناطق مسکونی و غیرمسکونی
۲۳۳	۳- دفینه
۲۳۴	۱-۳- مفهوم دفینه
۲۳۴	۲-۳- تملک دفینه
۲۳۵	۳-۳- اطلاع به مالک زمین
۲۳۵	۴-۳- دفینه در اراضی مباحه
۲۳۶	۵-۳- استخراج جواهر از دریا
۲۳۶	۶-۳- مال غرق شده در دریا
۲۳۷	۴- شکار
۲۳۷	۱-۴- تملک در شکار
۲۳۸	۲-۴- شکار حیوانات اهلی
۲۳۹	۵- کندوی زنبور عسل و برج کبوتر
۲۳۹	۶- شکار در قوانین جدید
۲۴۹	منابع و مأخذ

avabook.com

دیباچه

مجموعه‌ای که در پیش روی شما قرار دارد حاصل ماه‌ها تلاش بی‌وقفه و اهتمام در بالا بردن سطح دانش جامعه در راستای حقوق مدنی و مباحث مربوط به آن است. مؤلف این کتاب جناب آقای محمد مجتبی رودیجانی عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان، جوانی فهیم و پرتلاش است که استعداد قابل تحسینی در نگارش متون دشوار حقوقی دارد. نامبرده در عین جوانی دارای سوابق درخشانی در این زمینه است. در این کتاب مؤلف کوشیده است که با بیانی شیوا و قابل درک، اهمیت آشنایی با قوانین مدنی و نیز ضرورت آن‌ها را به روشنی توضیح دهد. زندگی در جوامع امروزی تا حد زیادی فرصت بالا بردن سطح اطلاعات علمی در زمینه‌های مختلف را محدود کرده است، لذا خواندن این کتاب تخصصی، خواننده را با ظرافت‌های قوانین مدنی آشنا می‌کند. قوانینی که به دست خود انسان‌ها برای زندگی بهتر و آرامش فردی همه افراد جامعه نگارش و وضع شده‌اند نویسنده با جمع‌آوری مناسب و هوشمندانه مطالب و قرار دادن آنها به طور صحیح در کنار هم، ذهن خواننده را در یک مسیر هدفمند و منسجم قرار داده و تا آخر پا به پای خواهد آمد تا ظرافت‌ها و اصول حاکم بر قوانین را به طور کامل نشان دهد. به طور کلی آشنایی با قوانین و رعایت دقیق آنها یکی از ارکان اصلی در پایداری جوامع انسانی در روابط بین افراد به شمار می‌آید. امید است توجه و اهتمام ویژه به حقوق مدنی افراد در جامعه با کمک این کتاب در جامعه اسلامی نهادینه شده و همه ما شاهد رشد و شکوفایی هر روزه فرهنگ احترام به حقوق دیگران باشیم.

سر افراز و سربلند باشید

دکتر سعید خاتم ساز

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد زرقان

avabook.com

مقدمه مؤلف

حقوق مدنی ۲ (اموال و مالکیت) مباحث مربوط به مواد ۱۱ تا ۱۸۲ قانون مدنی را در بر می‌گیرد. با توجه به این‌که جلد اول قانون مدنی از مواد ۱ تا ۹۵۵ در دوره ششم قانون‌گذاری و به تاریخ ۱۳۰۷/۲/۱۸ تصویب گردیده به همین دلیل گذشت زمان و تصویب قوانین مختلف در زمینه حقوق اموال و مباحث مربوط به آن موجب تغییراتی در چهره قانون مدنی در این قسمت گردیده است. در تألیف حاضر سعی شده تا با شرح ماده به ماده قانون مدنی حتی‌الامکان به قوانین جدید نیز اشاره گردد. مزیت شرح مواد قانونی همان‌گونه که در مقدمه حقوق مدنی ۷ (عقود معین اذنی و وثیقه‌ای) نیز ذکر کرده‌ام همانا آشنائی بیشتر دانشجویان حقوق با متن قانون یعنی ابزار اصلی حقوقدانان می‌باشد.

با توکل بر خداوند متعال و ائمه اطهار و دماء شهداء این راه ادامه خواهد یافت.

عشق امر کل مارتعای، او قلزم و ما جرمعای

او صد دلیل آورده و ما کرده استدلال‌ها

بر اهل معنی شد سخن، اجال‌ها تفصیل‌ها

بر اهل صورت شد سخن تفصیل‌ها اجال‌ها

avabook.com

فصل اول: کلیات

در این فصل ابتدا به بررسی مطالبی در مورد مفهوم مال و انواع آن پرداخته می‌شود تا راه ورود به مباحث اصلی مربوطه هموار گردد.

مبحث اول: تعریف مال

تعریف مال در حقوق مدنی از این جهت اهمیت دارد که در سایر قوانین با مواردی برخورد می‌کنیم که نیازمند دانستن مفهوم مال هستیم. در واقع قانون مدنی مال را تعریف نکرده و از این لحاظ باید از مال تعریفی جامع و کامل ارائه گردد. به عنوان مثال ماده ۱۹۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ مقرر داشته: سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به صورت پنهانی.

در این هنگام است که باید برای دانستن تعریف مال به حقوق مدنی مراجعه نماییم زیرا حقوق خصوصی و مهمترین قسمت آن حقوق مدنی در واقع مادر حقوق محسوب می‌شود. مال در لغت عبارت است از دارائی و آنچه که در ملک شخص باشد و اموال جمع آن است.^۱ برخی دیگر از نویسندگان مال را به معنی خواسته نیز آورده‌اند.^۲ یعنی آنچه که انسان خواستار و خواهان آن است. در اصطلاح حقوقی می‌توان گفت که مال عبارت است از آنچه که در

۱ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ ششم، ۱۳۷۶، ص ۱۰۴۱.

۲ - قریب، محمد، واژه‌نامه نوین، انتشارات بنیاد، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۷، ص ۱۰۰۶.

عرف بازار قابل خرید و فروش باشد و عقلاء برای آن ارزش تعیین نمایند. از این تعریف می‌توان دریافت که:

۱- مال باید قابلیت نقل و انتقال (خرید و فروش) داشته باشد. بنابراین خرید و فروش زمین در کره ماه باطل است.

۲- عرف بازار باید آن را قابل خرید و فروش بدانند. بنابراین فروش حشرات مانند سوسک و مگس باطل است.

۳- عقلاء برای آن ارزش تعیین نمایند. منظور این است که متعارف جامعه آن را دارای ارزش بدانند. بنابراین همان‌گونه که پول یک نفر دارای ارزش بوده و مال محسوب می‌شود، آلبوم عکس‌های خانوادگی شخص نیز مال محسوب می‌شود زیرا از نظر عقلاء برای آن شخص دارای ارزش می‌باشد. در قسمت مال مطلق و مال نسبی به این موضوع بیشتر می‌پردازیم.

اگر این موارد را بنگریم متوجه می‌شویم که سایر عناصر مال که برخی نویسندگان نام برده‌اند در ضمن و جوف این موارد قرار می‌گیرد به عنوان مثال عناصر امکان اختصاص یافتن به شخص یا اشخاص معین و نفع داشتن^۱ در واقع زیر مجموعه موارد گفته شده هستند. زیرا قابلیت نقل و انتقال برای اختصاص مال به شخص یا اشخاص معین و از طرف دیگر نشأت گرفته از همین اختصاص است و عقلاء نیز تنها برای چیزی ارزش تعیین می‌نمایند که دارای نفع باشد. البته این نفع می‌تواند مادی باشد مانند غذا، پوشاک و مسکن و یا می‌تواند معنوی باشد مانند یادبودی‌های خانوادگی. به عنوان مثال یک مدال آهنی برای یک کهنه سرباز ارزشی فوق‌العاده دارد که این ارزشی معنوی است هر چند از نظر مادی ارزشی نداشته باشد منتها عقلاء جامعه ارزش معنوی این مال را ادراک کرده و بر آن صحنه می‌گذارند. در نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۵۸-۱۳۷۶/۷/۲ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده: اعضای بدن مال نبوده و قابل فروش نمی‌باشد ولی شخص می‌تواند آن را در حیات و یا ممات به دیگری اهداء کند و در عوض مالی دریافت نماید. در واقع این نظریه مشورتی راه حل ماده ۸۰۱ قانون مدنی را پیشنهاد کرده که مقرر داشته: هبه ممکن معوض باشد و بنابراین واهب می‌تواند شرط کند که متهب مالی را به او هبه کند یا عمل مشروعی را مجاناً به جا آورد. البته به نظر می‌رسد مطابق

۱ - جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، گنج دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۶، ص ۴۰.

نظر برخی نویسندگان که اعضای بدن انسان را قابل خرید و فروش می‌دانند و این‌گونه استدلال می‌کنند که اعضای قطع شده و جدا شده انسان مانند کلیه با تحقق شرایطی که این اعضا را برای پیوند در بدن بیماران مهیا سازد، مالیت و ارزش حیاتی دارند،^۱ می‌توانیم خرید و فروش اعضای بدن انسان را مجاز بدانیم. در واقع مطابق عنصر سوم مال که گفته شد، در این موارد برای اعضای بدن انسان ارزش و نفع قائل هستند و این ارزش و نفع نیز عرفی و مشروع می‌باشد. در واقع در تمامی موارد باید برای مال ارزش شرعی و عرفی در نظر گرفته شود. به همین دلیل است که اشیائی مانند شراب به دلیل نداشتن منافع شرعی، عرفی و عقلی جزء اموال در جامعه اسلامی به حساب نمی‌آیند.

مبحث دوم: انواع مال

حال که مال را تعریف کردیم باید به بررسی این موضوع پردازیم که از نظر قانون مدنی و همچنین در نظرات حقوقدانان انواع مال به چه صورت مطرح گردیده‌اند. همان‌طور که در مقدمه تألیف اشاره گردید مبنای نوشتار حاضر بررسی ماده به ماده قانون مدنی در بحث اموال و مالکیت است به همین دلیل مباحث کتاب بر حسب مواد قانون مدنی و شرح آنها نوشته شده است.

۱- تقسیم مال بر حسب قابلیت جابجائی (ماهیت اشیاء)

ماده ۱۱ قانون مدنی:

این تقسیم‌بندی از اموال بر مبنای قابلیت جابجا شدن یا جابجا نشدن اشیاء است. به عبارت دیگر هر شیء را ماهیتاً می‌توان جابجا نمود یا خیر.

۱-۱- مال منقول

منقول در لغت به معنای نقل شده، جابجا شده و آنچه قابل نقل باشد و بتوان آنرا از جایی به جای دیگر برد آورده شده است.^۲

۱ - حبیبی، حسین، مرگ مغزی و پیوند اعضا، بوستان کتاب، قم، چاپ اول، ۱۳۸۰، ص ۱۱۱.

۲ - عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، همان، ص ۱۱۲۷.

در جای خود به تفصیل راجع به مال منقول سخن خواهیم گفت.

۲-۱- مال غیر منقول

غیر منقول عبارت است از آن چه که قابلیت جابجائی نداشته باشد. غیر در لغت به معنی جز، سوا و مگر آورده شده است.^۱ بنابراین غیر منقول یعنی آن چه که به جز و سوا منقول است. در این مورد نیز به تفصیل سخن خواهیم گفت.

۲- تقسیم مال بر حسب پیدا شدن اشباه و نظائر

بر مبنای این که یک مال دارای شبیه و نظیر است یا خیر اموال به دو دسته اموال مثلی و قیمی تقسیم می شوند. شبیه در لغت به معنای همانند است و جمع آن شباه و اشباه می باشد.^۲

۲-۱- مال مثلی

مطابق ماده ۹۵۰ قانون مدنی: مثلی که در این قانون ذکر شده عبارت از مالی است که اشباه و نظائر آن نوعاً زیاد و شایع باشد مانند حبوبات و نحو آن. دو مال نسبت به هم مثلی هستند هنگامی که یکی از آنها بتواند جای دیگری را بگیرد^۳ مانند دو کیسه برنج از یک جنس. بنابراین گندم، ماشینی که هنوز از کارخانه بیرون نیامده و استفاده نشده، پول و به طور کلی تولیدات کارخانه جات که هنوز استفاده نشده اند و مانند این ها جزء اموال مثلی محسوب می شوند.^۴ برخی از نویسندگان اعتقاد دارند که پول های فعلی ماهیت خاص خود را داشته و با ماهیت سایر کالاها و اموال تفاوت اساسی دارند و به همین دلیل نمی توان آنها را در تقسیم بندی اموال مثلی و قیمی آورد.^۵ این نتیجه از آن جا گرفته شده که به عقیده این نویسندگان چون پول فعلی مجموعه سه وظیفه: معیار سنجش، واسطه در مبادله و ذخیره ارزش

۱- قریب، محمد، واژه نامه نوین، همان، ص ۷۸۸.

۲- جرّ، خلیل، فرهنگ لاروس، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ نهم، جلد دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۲۴۷.

۳- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، حقوق اموال، همان، ص ۵۵.

۴- رودیجانی، محمدمجتبی، کلیات حقوق به زبان ساده، انتشارات آوا، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰، ص ۴۷.

۵- یوسفی، احمدعلی، پول امروز، مثلی یا قیمی یا ماهیت سوم، فصلنامه فقه اهل بیت، قم، سال چهارم، شماره چهاردهم، ۱۳۷۷، ص ۱۲۲.

را به نحو کامل دارا می‌باشند و هیچ یک از کالاهای دیگر مجموعه وظایف سه گانه را عهده‌دار نمی‌باشند بنابراین ماهیت پول نیز متفاوت است.^۱

منتها باید توجه داشت این تلقی برخلاف صریح ماده ۹۵۰ قانون مدنی بوده و مردود است زیرا پول مالی است که اشتباه و نظائر آن فراوان بوده و مالی است که پول دیگر می‌تواند جای آن را بگیرد و کارکردهای آن موجب تغییر ماهیت آن نمی‌شود.^۲

۲-۲- مال قیمی

مطابق قسمت اخیر ماده ۹۵۰ قانون مدنی: قیمی مقابل آن است (مقابل مال مثلی) مع ذلک تشخیص این معنی با عرف می‌باشد. قیمی از قیمت است و قیمت بهای چیزی و ارزش معنی می‌دهد و قیم جمع آن است.^۳ بنابراین مال قیمی مالی است که اشباه و نظائر آن نوعاً زیاد و فراوان نباشد. به عبارت دیگر نمی‌توان یک مال قیمی را به جای مال دیگری قرار داد. مثلاً یک گوسفند مال قیمی است زیرا مثل آن پیدا نمی‌شود یعنی نمی‌توان دو گوسفند پیدا کرد که از همه جهات شبیه هم باشند. اموال استفاده شده همگی قیمی محسوب می‌شوند. مثلاً پیراهن استفاده شده قیمی است. شاید گفته شود که مثل آن پیراهن در بازار هست بنابراین مثلی محسوب می‌شود. اما می‌گوییم مثل آن پیراهن دست دوم در بازار نیست آن پیراهنی که در بازار است نو است نه دست دوم پس مثل هم نیستند. البته در هر حال تراضی افراد می‌تواند در این موارد حاکم شود و عرف نیز راه‌گشاست. اثر تقسیم اموال به مثل و قیمی در ماده ۳۲۸ قانون مدنی آمده است. این ماده مقرر داشته: هر کسی مال غیر را تلف کند ضامن آن است و باید مثل یا قیمت آن را بدهد. و در ماده ۳۳۱ همان قانون نیز آمده: هر کسی سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد.

۳- تقسیم مال از لحاظ ملموس بودن یا ملموس نبودن

این تقسیم‌بندی بر این مبناست که مال در عالم خارج قابل لمس است و به عینه مشاهده و ملاحظه می‌شود یا خیر.

۱ - همان، ص ۱۲۰.

۲- برای مطالعه مبسوط ر.ک: رودیجانی، محمدمجتبی، حقوق مدنی ۳، انتشارات آوا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۹، ص ۱۲۶.

۳ - قریب، محمد، واژه‌نامه نوین، همان، ص ۸۷۱.